

توانایی توضیح و تبیین نظام مندی جهان و نقد برخی دیدگاه ها درباره اتفاق بودن جهان و حوادث داخل آن

اهداف جزئی

توانایی بیان لوازم علیت
توضیح پیامد انکار علیت و لوازم آن
توضیح معانی اتفاق و نقد و ارزیابی آنها

مجتبی محمودی

دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایزه

سال تحصیلی: ۱۴۰۱ - ۱۴۰۰

به کانال ما در تلگرام بپیوندید

لینک کانال: t.me/mahmoudi_izeh

۴

۱- از نظر دموکریتوس چه چیزی سبب پیدایش عناصر و اشیای فعلی در جهان شده است؟

کدام تصویر از جهان؟

نکته

«اتفاق»^۱ از کلماتی است که در گفت و گوهای روزمره همه اقوام و ملل کاربرد دارد. مردم، برخی امور را «اتفاقی» و «تصادفی» می شمارند و برخی دیگر رانه. برخی از فیلسوفان نیز گاهی نظراتی ارائه کرده اند که می توان از آنها «اتفاق» را برداشت کرد؛ مثلاً (دموکریتوس، فیلسوف یونان باستان، معتقد بود که ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیرمتناهی پراکنده بوده و به شکلی سرگردان حرکت می کرده اند و برخوردهایی با هم داشته اند. در این برخوردهای اتفاقی، ذراتی که هم اندازه و هم شکل بوده اند گرد هم آمده و عناصر اصلی عالم طبیعت را تشکیل داده اند؛ یعنی برخورد اتفاقی این ذرات سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیای فعلی در جهان شده است.)^۱



۱. کلمه «اتفاق»، در میان ما فارسی زبانان، به معنای «رخ دادن» نیز به کار می رود؛ مثلاً می گویم «فلان حادثه دیروز اتفاق افتاد». این معنای اتفاق، در اینجا مورد نظر نیست.
۲. تاریخ فلسفه کاپلستون، ج ۱، ص ۸۸.

- 1- دیدگاه برخی دانشمندان زیست شناس در مورد پیدایش موجودات را بیان کنید؟
 2- چرا برخی از دانشمندان احتمال می دهند که پیدایش جهان کنونی ما اتفاقی بوده است؟

نکته شکل دیگری از اتفاق که در دوره های اخیر مطرح شده، برگرفته از گفته های برخی دانشمندان زیست شناس است که ¹ می گویند: از ابتدای پیدایش موجود زنده بر روی زمین، جانداران بی شماری پدید آمده اند که بیشتر آنها، به علت ناسازگاری با محیط زندگی، از بین رفته اند. در طول این زمان ها تحولات بسیاری در ساختمان بدنی این موجودات رخ داده که هیچ کدام از این تحولات متناسب و سازگار با محیط نبوده و تمام آن موجودات از بین رفته اند. فقط آن دسته از جانداران که تغییرات بدنی آنها «اتفاقاً» سازگار با محیط بوده به حیات خود ادامه داده، رشد کرده اند و تکثیر شده اند.¹

همچنین² برخی از دانشمندان احتمال می دهند که جهان کنونی ما، یعنی این میلیاردها کهکشان، بر اثر انفجار بزرگ - مه بانگ¹ - آغاز شده و به تدریج گسترش یافته است. این بیان باعث شده برخی تصور کنند پیدایش این جهان، اتفاقی و بدون علت بوده است.²

نظر شما در این باره چیست؟

آیا واقعاً حوادثی سراغ دارید که به صورت اتفاقی و تصادفی رخ داده باشد؟

آیا ضرب المثل «دری به تخته خورد و فلانی به ثروت رسید» می تواند بیانگر نوعی اتفاق در جهان باشد؟

تعریف شما از اتفاق چیست؟

3- یکی از اقدامات مؤثر و مهم فیلسوفان در باره مفاهیم عامیانه چه بوده است؟

4- مهم ترین کتاب فلسفی ابن سینا چیست؟ **الهیات شفا**

5- ابن سینا در کتاب الهیات شفا در باره چه مفاهیمی سخن گفته است؟ **اتفاق و شانس**

¹ (یکی از اقدامات مؤثر و مهم فیلسوفان، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آنهاست) ابن سینا در مهم ترین کتاب فلسفی خود، یعنی «الهیات شفا»^۲، درباره «اتفاق» و مفاهیم دیگری از قبیل «شانس» سخن گفته و تلاش کرده نظر مردم را در مورد این مفاهیم تصحیح نماید. از همین رو، لازم است که ما نیز در ادامه بحث علیت، نظری به مفهوم «اتفاق» بیندازیم و از جنبه فلسفی درباره آنها بحث کنیم؛ به خصوص که امروزه مفهوم اتفاق نه تنها نزد عامه مردم بلکه بر زبان برخی دانشمندان نیز جاری می شود.

نکته

۱. Bigbang

۲. شفا، بخش الهیات، مقاله ششم، فصل پنجم و مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۷ (درس های الهیات شفا)، ص ۳۵۶ و مابعد الطبیعه ژان وال، ص ۸۷۷.

1- معانی اتفاق را نام ببرید و هر کدام را با ذکر مثال توضیح دهید؟ ← میان پدیده ها و علل آنها رابطه ضروری وجود ندارد

← سنخیتی میان اشیا و آثار آنها نیست

← نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان است

← رخ دادن حادثه پیش بینی نشده

معانی اتفاق

اتفاق در معانی زیر به کار می‌رود:

توضیح معنای اول معنای اول اتفاق این است که میان پدیده‌ها و علل آنها رابطه ضروری وجود ندارد؛ مثلاً چه بسا همه عوامل

پیدایش باران موجود باشد، اما باران نیارد و چه بسا بدون وجود ابر و بدون هیچ علتی، خود به خود باران ببارد. **توضیح معنای اول**

توضیح معنای دوم معنای دوم اتفاق این است که سنخیتی میان اشیا و آثار آنها نیست. چه بسا که از یک پدیده اثری ظاهر شود

که هیچ ربطی به آن ندارد؛ مثلاً حرارت سبب یخ بستن آب و آفتاب سبب تاریکی شود. **توضیح معنای دوم**

توضیح معنای سوم معنای سوم اتفاق، نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان است؛ بدین معنا که این حرکات و نظام‌ها

به سمت غایت و هدف معینی به پیش نمی‌روند. **توضیح معنای سوم**

توضیح معنای چهارم معنای چهارم اتفاق عبارت است از رخ دادن حوادث پیش بینی نشده. به طور مثال، شخصی برای خرید به

فروشگاهی مراجعه می‌کند و دوست خود را هم در آن فروشگاه می‌بیند، بدون اینکه قبلاً از آمدن دوست خبر

داشته باشد و آن را پیش بینی کرده باشد. **توضیح معنای چهارم**

اظهار نظر

به نظر شما کدام یک از معانی فوق کمتر امکان پذیر است و کدام، بیشتر؟

معنای اول، دوم و سوم اتفاق را همه فیلسوفان مسلمان و برخی از فیلسوفان غیر مسلمان که

به عله العلل معتقدند را انکار می‌کنند، اما معنای چهارم اتفاق که بی ارتباط با اصل علیت

نیست بیشتر امکان پذیر است

۲- چرا همه فیلسوفان معنای اول اتفاق را انکار کرده اند؟

۳- چرا برخی مردم می‌پندارند، میان علت و معلول، رابطه ضروری وجود ندارد؟

بررسی معانی اتفاق

الف) بررسی معنای اول اتفاق: بنابر مباحث گذشته (فیلسوفی را سراغ نداریم که به طور صریح و روشن با

معنای اول اتفاق موافق باشد. فیلسوفان، معمولاً چنین اتفاقی را انکار می‌کنند و می‌گویند هر معلولی به علت نیاز

دارد و یک رابطه ضروری میان علت و معلول برقرار است. امکان ندارد که موجودی، خود به خود و بدون علتی

که به آن وجود ببخشد، پدید آید. باران، خود به خود نمی‌بارد و اگر عوامل پیدایش باران وجود داشته باشد حتماً

باران خواهد بارید²

البته (برخی از مردم که از تمام اجزای یک علت آگاه نیستند، گاهی فکر می‌کنند که در برخی موارد، در عین

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۷، ص ۳۵۶.

1- علت ناقصه و علت تامه را با ذکر مثال توضیح دهید؟

2- چرا از نظر بسیاری از فلاسفه معنای دوم اتفاق، (سنخیتی میان علت و معلول وجود ندارد) امکان پذیر نیست؟

3- فردی که اصل سنخیت میان علت و معلول را انکار می کند، دچار چه مشکلاتی می شود؟

4- چرا پذیرفتن معنای سوم اتفاق، نفی علت نخستین جهان و آفریننده را به دنبال دارد؟

وجود علت، معلول آن پدید نیامده است و بر این اساس، می پندارند، میان علت و معلول، رابطه ضروری وجود ندارد. ¹ توضیح: (در مواردی که معلول، از مجموعه ای از عوامل پدید می آید، هریک از عوامل را «علت ناقصه» و مجموعه عوامل را «علت تامه» می نامند؛ مثلاً نوشتن روی کاغذ، معلول عواملی از قبیل انسان، قلم، گرفتن قلم در دست، اندیشه کردن، اراده کردن و حرکت دست می باشد و نوشتن وقتی محقق می شود که همه عوامل دخیل در آن موجود باشند. حتی اگر یک عامل هم نباشد، آن معلول پدید نخواهد آمد؛ مثلاً اگر انسان باشد، اما اراده نکند، نوشتن تحقق پیدا نخواهد کرد. حال، ممکن است برخی افراد بدون توجه به «اراده کردن» چنین تصور کنند که همه عوامل نوشتن وجود دارد ولی نوشتن صورت نگرفته است و در نتیجه تصور کنند که میان علت و معلول آن، رابطه ضروری برقرار نیست.) ¹

ب) بررسی معنای دوم اتفاق: اتفاق به این معنا نیز از نظر بسیاری از فلاسفه، از جمله ابن سینا و ملاصدرا و علامه طباطبایی و برخی فیلسوفان اروپایی، امکان پذیر نیست. ² زیرا قبول این معنای اتفاق، نفی اصل سنخیت علت و معلول را به دنبال دارد. آنان می گویند اگر کسی واقعاً اصل سنخیت میان علت و معلول را انکار کند و پدید آمدن هر چیزی از هر چیزی را ممکن بداند، به هیچ کاری دست نخواهد زد؛ مثلاً نمی تواند برای رفع تشنگی آب بیاشامد؛ زیرا میان آب و رفع تشنگی رابطه ای مشاهده نمی کند.) ²

علاوه بر این، ³ چنین فردی نمی تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند و دلیل آن را به دست آورد. او حتی نمی تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده ها تشویق نماید. در حقیقت، انکار اصل سنخیت، بی اعتباری همه علوم و بی اعتنایی به آنها را به دنبال دارد و متناقض با یک هستی نظام مند و قانونمند می باشد.) ³

ج) بررسی معنای سوم اتفاق: اثبات یا نفی اتفاق به معنای سوم نیازمند دقت و تأمل بیشتر است.

نکته پذیرفتن این معنای اتفاق، معمولاً نفی «علت نخستین» و «آفریننده» را به دنبال دارد. ⁴ زیرا غایتمند بودن جهان بدان معناست که مجموعه حوادثی که در جهان رخ می دهد، برای رسیدن به هدف و غایت معین و از پیش تعیین شده است. قبول این غایتمندی نیز فقط با قبول علت نخستین و علت العلل، یعنی قبول آفریننده امکان پذیر است. ⁴ در عین حال، فلاسفه نسبت به این معنای اتفاق، نظرات متفاوتی ارائه کرده اند:

5 **1** آن دسته از فلاسفه که برای جهان علت نخستین و آفریننده را اثبات می کنند، معتقدند که این نوع اتفاق هم مانند دو معنای اول امکان پذیر نیست و همه حوادث جهان از ابتدا تا کنون و در آینده در جهت یک هدف و غایت از پیش تعیین شده قرار دارند. به عبارت دیگر: جهانی که ما در آن زندگی می کنیم، به سوی کمال خود در حرکت است و مرحله به مرحله کامل تر می شود.

2 اما آن دسته از فیلسوفان که به خداوند و علت نخستین برای جهان معتقد نیستند، غایتمندی زنجیره حوادث را نیز انکار می کنند و حتی وجود فرایندهای تکاملی در جهان را امری اتفاقی به حساب می آورند که از پیش تعیین شده نبوده است.

5- در رابطه با معنای سوم اتفاق، فیلسوفان به سه دسته تقسیم شده اند، عقیده هر کدام را توضیح دهید؟

۳ دسته‌ای از فیلسوفان هم هستند که در عین انکار خداوند، می‌خواهند برای جهان و انسان هدف و غایت تعیین کنند و بگویند که جهان به سمت یک غایت برتر در حرکت است و روز به روز کامل‌تر می‌شود و به غایت خود نزدیک‌تر می‌گردد. ۵

1

اما نظر این فیلسوفان مورد نقد قرار گرفته است. (زیرا قبول غایت برای اشیا و پدیده‌های جهان وقتی امکان‌پذیر است که آن غایت، قبل از پیدایش اشیا مشخص شده باشد تا اشیا، متناسب با آن هدف و آن غایت ساخته شده و پدید آمده باشند تا به سوی آن حرکت نمایند و تکامل یابند و چنین غایت و هدفی، بدون قبول خداوند امکان‌پذیر نیست.) 1

مقایسه

دیدگاه این سه دسته فلاسفه را با یکدیگر مقایسه کنید و ببینید کدام یک امتیازات بیشتری دارد؟ کسی که خدا را قبول دارد، می‌تواند برای جهان یک نقشه از پیش تعیین شده و یک هدف و غایت قائل شود، اما کسی که خدا را قبول ندارد نمی‌تواند برای جهان نقشه و هدف تعیین کند. کسی که برای جهان نقشه و هدف قائل است، میدانند که حوادثی که در جهان خلقت رخ میدهد، اتفاقی نیست، بلکه برای آن است که در نهایت و پایان، به آن هدف نهایی مورد نظر خالق منجر شود. اما کسی که جهان را دارای نقشه و هدف نمی‌داند حوادث را صرفاً اتفاقاتی میدانند که به جایی نخواهد انجامید، در نتیجه، دو رفتار متفاوت از این دو نگرش به دست می‌آید. کسی که برای جهان نقشه و هدف قائل است. می‌کوشد آن هدف و نقشه را بشناسد و در مسیر آن نقشه و هدف عمل کند. اما کسی که جهان را هدفمند نمیداند، هرچه که به فکر خودش بیاید، آن را هدف قرار می‌دهد و با اینکه نگاهی ناامیدانه و مایوسانه به جهان پیدا می‌کند و به نیهیلیسم و پوچ‌گرایی می‌رسد

۲

(د) بررسی معنای چهارم اتفاق (معنای چهارم اتفاق، همان طور که گفته شد، رخ دادن حادثه پیش‌بینی نشده است. این معنای اتفاق با هیچ یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست. بلکه مربوط به علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی است. بنابراین می‌تواند کاربرد درستی داشته باشد. همان‌طور که در مثال مربوط به این معنای اتفاق گفته شد، چون شخصی که برای خرید به فروشگاه می‌رود، از خارج شدن دوستش از خانه و تصمیم دوستش برای آمدن به فروشگاه اطلاعی ندارد، نمی‌تواند پیش‌بینی کند که دوستش را در فروشگاه خواهد دید. و الا براساس قاعده علیت و لوازم آن، مجموعه تصمیم‌ها و حرکت‌های این شخص و دوستش سبب شده که آنها یکدیگر را در فروشگاه ببینند و از احوال یکدیگر باخبر شوند.) ۲

۲- توضیح دهید که کدام یک از معنای اتفاق با هیچ یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست؟

۱ در ابتدای درس، حوادث و پدیده‌هایی ذکر شد که به نظر برخی، مصداق اتفاق هستند. به نظر شما هر یک

از این نمونه‌ها با کدام معنا از معنای اتفاق تناسب دارند؟

نظر دموکریتوس با معنای دوم و سوم اتفاق سازگار است، یعنی هم اصل سنخیت را نفی می‌کند و هم غایت‌مندی میان پدیده‌ها را نظریه مربوط به تکامل زیستی موجودات نیز با معنای دوم و سوم اتفاق سازگار است و منجر به انکار اصل سنخیت و غایت‌مندی می‌شود

۲ آیا می‌توان بدون یک علت بالذات یا علّة‌العلل که در ادیان الهی آن را «خدا» می‌نامند، «اتفاق» به معنای

سوم را مردود دانست؟

بدون قبول یک علت و خالق حکیم و دارای علم، نمی‌توان این معنای اتفاق را مردود دانست

۳ پذیرش «اتفاق» به معنای دوم و سوم چه تأثیری در اندیشه و تفکر و سبک زندگی یک فرد دارد؟

اگر کسی واقعا و جدا این دو معنای اتفاق را بپذیرد، نمی‌تواند هیچ تصمیمی در طول روز بگیرد و هیچ هدفی را برای خود

تعیین کند. چون انجام هر تصمیمی مبتنی بر قبول اصل سنخیت علت و معلول است و تعیین هر هدفی نیز مبتنی بر هدف‌مندی انسان و جهان می‌باشد

۴ ضرب‌المثل زیر کدام معنای اتفاق را رد می‌کند؟ چرا؟

گندم از گندم بروید جو ز جو

ناظر بر نفی اتفاق به معنای دوم است. مبرع «گندم از گندم بروید جو ز جو» بیان‌کننده اصل سنخیت در علت و معلول است و روشن می‌کند که هر چیزی از هر چیزی پدید نمی‌آید، بلکه از هر علت خاص، معلول خاص آن بروز می‌کند

۵ شعر زیر انکار کدام معنای اتفاق است؟

وز نما مردم به حیوان برزدم

از جمادی مردم و نامی شدم

پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم

مردم از حیوانی و آدم شدم

تا برآرم از ملائک پر و سر

حمله دیگر بمیرم از بشر

ناظر بر نفی اتفاق به معنای سوم است، زیرا این ابیات مثنوی مولوی بیان‌کننده حرکات غایت‌مندان و هدفدار در جهان است و نشان می‌دهد که گیاهان و حیوانات و انسانها به صورت اتفاقی پدید نیامده‌اند بلکه هر یک از این موجودات حلقه‌ای از حلقه‌های نظام خلقت و تکمیل‌کننده یکدیگر هستند

انواع سوالات درس چهارم فلسفه دوازدهم

کدام تصویر از جهان؟

تعیین کنید کدام یک از عبارات زیر صحیح و کدام یک غلط است؟

- ۱- اتفاق از کلماتی است که در گفت و گوهای روزمره همه اقوام و ملل کاربرد دارد **صحیح**
- ۲- مابعد الطبیعه مهم ترین کتاب فلسفی ابن سینا است **غلط**
- ۳- یک معنای اتفاق این است که میان علت و معلول آن رابطه حتمیت وجود ندارد **صحیح**
- ۴- یکی از معانی اتفاق این است که ممکن نیست از هر علتی هر معلولی پدید آید **غلط**
- ۵- برخی از مردم گاهی فکر می کنند که در برخی موارد، میان علت و معلول، رابطه ضروری وجود ندارد **صحیح**
- ۶- یکی از معانی اتفاق نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان است **صحیح**

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید

- ۱- ابن سینا در مهم ترین کتاب فلسفی خود، تلاش کرده است نظر مردم را در مورد مفاهیم و تصحیح نماید
اتفاق - شانس
- ۲- اصل نظم خاصی در جهان برقرار می کند. **سنخیت میان علت و معلول**
- ۳- در معنای دوم اتفاق این است که میان علت و معلول وجود ندارد. **سنخیتی**
- ۴- آن دسته از فیلسوفان که معمولاً به معتقد نیستند، غایتمندی زنجیره حوادث را انکار می کنند
عله العلل
- ۵- معنای چهارم اتفاق رخ دادن حادثه است. **پیش بینی نشده**
- ۶- از نظر برخورد اتفاقی ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیم سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان شده است.
دموکریتوس

مجتبی محمودی، دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایذه

لینک کانال تلگرام: t.me/mahmoudi_izeh